

# آماج درست کدام است؟

رامین کامران

آنچه امروز از ایران می‌شنویم، بیانگر بی‌تابی مردمی است که ضربه خورده‌اند، کشته‌داده‌اند و منتظر فرصتند برای زدن ضربه متقابل. در این شرایط است که آسان‌میتوان به هر فکری دل داد، هر روشی را به کار بست و هر چیزی را هدف گرفت - بدون اندیشیدن به برد و نتایج اینها. پس باید برخی نکات را هر چه زودتر روشن ساخت.



اول چند نکته کلی.

فکر انتقام‌کشی را از سر به در کنید. آنکه باید بمیرد نظام اسلامی است، نه این فرد و آن فرد خدمتگزارش.

ضربه باید به حکومت بخورد و باید برای حکومت گرانتر تمام شود تا شما. چیزی که شما را بیشتر از حریف تحلیل‌ببرد، ضمانت شکست است.

ضربه زدن فقط آسیب‌زدن نیست، نوعی حرف زدن هم هست، یعنی پیامی دارد. باید این زبان را درست حرف بزنید و پیام درست را به همه منتقل کنید. وقتی به چیزی ضربه می‌زنید، یعنی آنرا نمی‌خواهید. پس دقیق به چیزی و جایی ضربه بزنید که مقصودتان را درست بیان کند و جایی برای ابهام باقی نگذارد. تته پته نکنید.

ضربه باید تا حد امکان کاری باشد. ضربه کوچک ولی موفق، بهتر از ضربه بزرگ و بی‌ثمر است.

متوجه باشید که شما به تنهایی در میدان عمل نمی‌کنید. این نیست که شما در یک سو باشید و حکومت در سوی دیگر. قدرتهای خارجی هم هستند، با امکانات بسیار وسیع مالی و انسانی و مترصد فرصتند برای از هم پاشاندن مملکت. پس باید نهایت دقت را به درست عمل کردن، مبذول دارید. موقعیت بسیار حساس است و اصلاً با نمونه‌هایی نظیر انقلاب مشروطیت، نهضت ملی و انقلاب پنجاه و هفت، قابل مقایسه نیست.

برخی میکوشند به شما چنین تلقین کنند که قاطع‌ترین و مؤثرترین

نوع مبارزه، نوع مسلحانه است. به این سخنان چریکی - هالیوودی دل ندهید. رفتن به سوی نبرد مسلحانه، گذشته از اینکه بلافاصله مردم را در مقابل نیرو های حکومتی، در موضع ضعف قرار میدهد، به خودی خود هم ضمانت پیروزی نیست. اگر تفنگ ضمانت پیروزی بود، نیرو های حکومتی که در تمام دنیا از این بابت بسیار مجهز تر و تعلیم دیده تر از مردم هستند، در همه جا پیروز میشدند. اگر نشده اند، به این دلیل است که در مبارزه سیاسی - بر خلاف جنگ - سلاح حرف آخر را نمیزند. به راه انداختن نبرد مسلحانه، باعث هرج و مرج میشود و ممکن است کار را به جنگ داخلی و در نهایت تجزیه کشور بکشاند. حمله به پاسگاه ها و پادگانها، رفتن به راه نبرد مسلحانه است. اینها آماج مناسبی نیست. بیخود راجع به انقلاب پنجاه و هفت خیالپردازی نکنید، آنجا هم مبارزه مسلحانه در کار نبود و اگر واقع شده بود، انقلاب شکست میخورد.

کوشش در زدن ضربات اقتصادی به رژیم، تیغ دو دم است. یعنی به مردم فلکزدن ایران هم که زیر فشار اقتصادی قرار دارند، اصابت میکند و کار تحریمهایی را که به آنها تحمیل شده، تکمیل میکند. از کار افتادن اقتصاد ایران، در شرایط فعلی، معنایی جز گرسنه ماندن مردم کشور ندارد. چنین کاری عاقلانه نیست. چون نیروی شما را زودتر و بیشتر از رژیم تحلیل خواهد برد. مبارزه، جامعه قوی لازم دارد و دولت ضعیف، نه برعکس.

باید درست نگاه کنید که چه چیز این رژیم برای شما قابل قبول نیست و چه چیزی را میخواهید از میان بردارید، بعد به همان ضربه بزنید. نباید مثل اشخاص نزدیک بینی عمل کنید که کلی و حدودی تصویری پیش چشم دارند و مثلاً موقع دعوا، مشتشان به جای حریف، میخورد توی دماغ پسرعمویشان.

اگر بخواهیم درست و روشن خصیصه اصلی این نظام را که البته مایه مصیبتهای آمده بر سر مردم ایران نیز هست و باید دقیق هدف قرار بگیرد، معین کنیم، اختلاط دین و سیاست است. باید به این، درست به این و مشخصاً به این، ضربه زد.

مشکل این است که آنچه آمد، سخنی است انتزاعی. وقتی میخواهیم به مردم آماجی برای حمله عرضه کنیم، باید چیزی ملموس در برابرشان قرار بدهیم که ضربه زدن به آن، معنای مخالفت با اختلاط دین و سیاست را تداعی کند. این نه بانک است، نه سینماست، نه پاسگاه است، نه مسجد است، نه امامزاده است... پیدا کردن این نوع هدف که جا

برای ابهام نگذارد، مشکل است ولی ناممکن نیست.

انواع و اقسام انجمن‌های اسلامی که در هر کوی و برزن تشکیل شده، انجمنهایی که گاه صنفی است، گاه هنری است، گاه قومی است و خلاصه از هر نوع و قسم که هست، اهداف مناسبی است برای نشان دادن اینکه نمیخواهید دین پا از گلیمش دراز کند. انواع هیئتهای مذهبی هم که محل کار چاق کنی در زمینه های مختلف است، اهداف خوبیست. خلاصه اینکه آماج درست باید نهاد و نمادی باشد که دخالت دین را در سیاست بخصوص، و در هر حوزه دیگری که بدان ارتباطی ندارد، بیان سازد. زدن اینهاست که نظام را ضعیف میکند و به هم دنیا هم میفهماند که مقصود شما از به خیابان ریختن و ابراز نارضایی و حتی درگیری با نیروهای انتظامی چیست.

این مثالهایی که آوردم از دید کسی نوشته شده که در خارج است و سالهاست که در ایران نبوده، ولی همین ها آنقدر بزرگ است که من هم از راه دور میتوانم ببینم. شما که نزدیکید، در موقعیت بهتری برای تشخیص و معین کردن آماج دارید. بر این اساس عمل کنید تا نتیجه بگیرید.

رامین کامران

۹ دسامبر ۲۰۱۹، ۱۸ آذر ۱۳۹۸

برگرفته از سایت (iranliberal.com)